

## چهره زن ایرانی

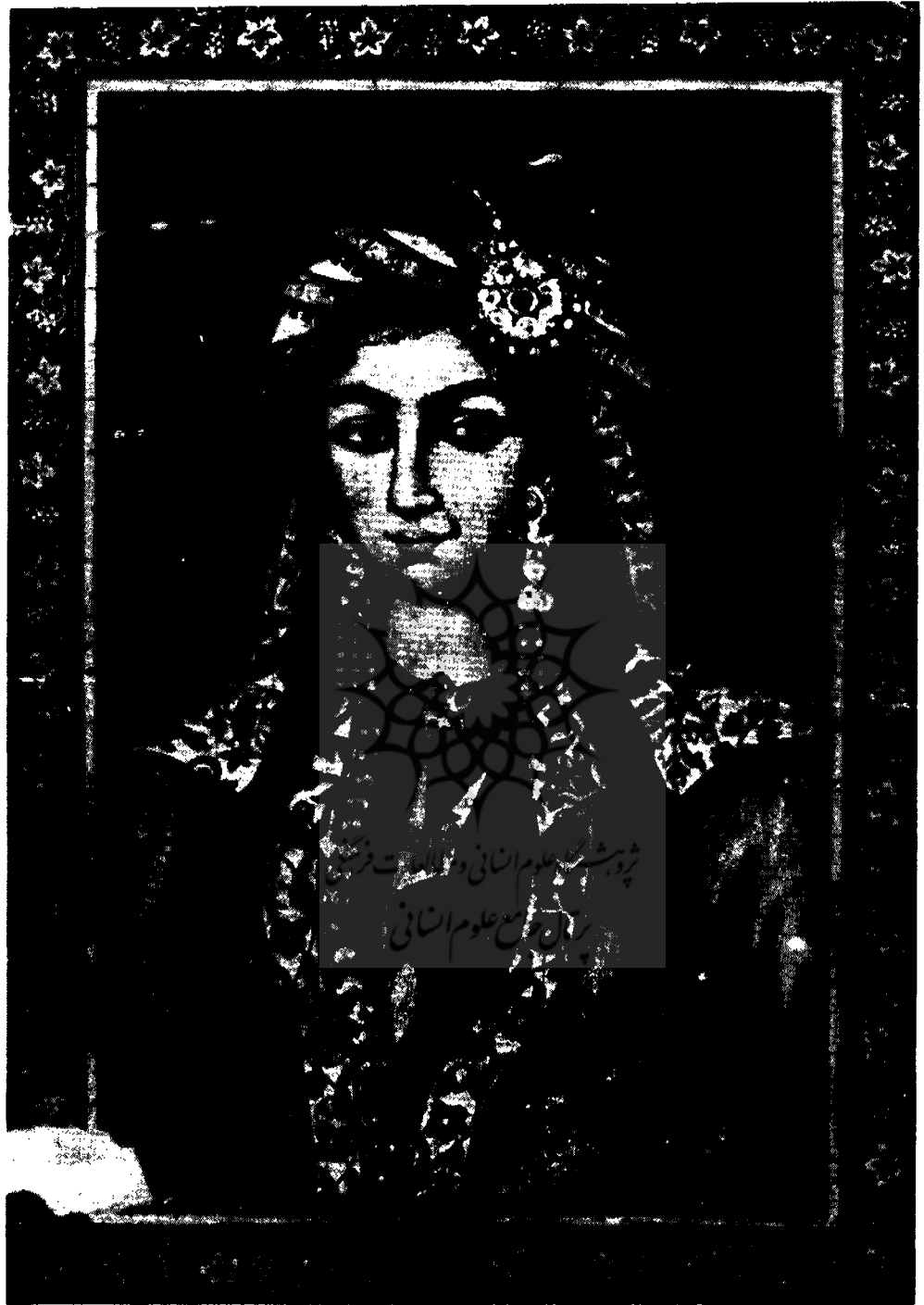
حاجی میرزا عبدالباقی طبیب نه فرزند داشت و اشهر آنها دکنتر خلیل خان ثقفی اعلم الدوله است که چند تألیف دارد و طبیب مظفرالدین شاه بود و در زمان صدور فرمان مشروطیت با مشروطه خواهان همراهی می کرد. برادران دیگر اعلم الدوله عبارت بودند از

- (۱) اسمعیل صحت الدوله (طبیب) .
- (۲) دکنتر خلیل خان ملقب به مؤیدالحکماء که قبلاً "دبیر الدوله و ندیم السلطان لقب داشت . او طب را رها کرد و در پاریس مقیم شد و به کار سیاست پرداخت و در زمان مبارزه با محمدعلی شاه با ایرانیان مهاجر همکاری می کرد و تاریخ انگلستان تألیف فریدون ملک را در پاریس او به طبع رسانید . این دکنتر خلیل خان بعدها مورد انتقاد مشروطه خواهان واقع شد تا بجائی که مجبور شد رساله ای در پاریس در دفاع از خود به نام "واحدة بواحدة" والهادی الظلم ، زدی ضربتی ضربتی نوش کن . حمله آمد نیامد دارد . . . " در جمادی الاول ۱۳۲۸ قمری به طبع رسانید .
- (۳) عبدالحمید حاذق الدوله طبیب قشون خراسان .
- (۴) عبدالحمید متین السلطنه مدیر روزنامه "عصر جدید که به قتل رسید .
- (۵) میرزا احمدخان رئیس مالیه کرمان .
- (۶) میرزا محمدخان که در مالیه بود .
- (۷) صدیقه خانم حکمة السلطنه عیال دکنتر عیسی خان بقاشی ومدیره مدرسه نسوان .
- (۸) یکی از برادران دیگر ، میرزا محمودخان نام داشت که پس از برادر مقتولش لقب متین السلطنه یافت و عضو وزارت خارجه بود و با دختر خاله ، ملکه هلند ازدواج کرده بود و پس از مطلقه کردن او یکزن امریکائی را به همسری گرفت و در امریکا مدتی سمت شازردافری داشت و نسبت به قضایای وقوع حادثه ایمری مردی مطلع بود .

نکته‌ای که در بارهٔ زندگی او باید دانست این است که او یک سلسله مقالات به زبان انگلیسی در بارهٔ هنر و آداب و تمدن ایرانیان نوشت و در مجلهٔ Asia در امریکا به چاپ رسانید. هر یک از این مقالات عنوانی خاص دارد و آن مقدارش را که من دیده‌ام در شماره‌های ۱ سال ۲۸ بعد مجلهٔ مورد ذکر سال‌های ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ چاپ شده است و در نخستین شماره‌ای که قسمت اول مقاله طبع شده اجمالی در احوال او نوشته و گفته شده است که این نویسنده سرگذشت دوران کودکی خود در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه را برای قارئین امریکائی نوشته است. سمتهای او را در منصب خدمات سفارتی عضویت هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس تریاک (لاسه ۱۹۱۱)، عضویت سفارت ایران در لاهه، لندن یاد کرده و گفته است که در ۱۹۲۴ قنصل ایران در نیویورک شد.

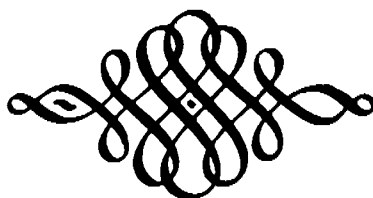
در صفحهٔ اول همین شماره تصویر قلمی مادر میرزا محمودخان را به چاپ رسانیده است که چون از نقاشیهای دورهٔ قاجاری است ما آن را از آنجا نقل می‌کنیم. فهرست مقالات ثقفی چنین است.

- I- The boy courtier of a Mad Shah (January 1928, pp 11-18)
- II- The sacred circle of manhood (February 1928, pp. 136-142, 150-154)
- III- Happy New Year! Naw-Rouz. (march 1928, pp. 212-217, 228-234)
- IV
- V- My Unholy uncl's story (May 1928, pp. 378-385, 421)
- VI- The imperial glare (June 1928, pp. 461-467, 499-504)
- VII- The passing of the Ordou (July 1928, pp. 543-548, 580-584)
- VIII- Down with poppy and wild boar! (August 1928, pp. 614-620 668-672)



پروژه علوم انسانی و سلامت فرهنگ  
مجله مجمع علوم انسانی

مقاله دنباله دارد ولی چون دوره‌ای که من از آن نزد آقای حسین ثقفی اعزاز دیدم کامل نیست مشخصات بقیه مقالات را نتوانستم بیاورم بدهم . اما مجموعه این مقالات به صورت کتاب بعداً " به اسم In the imperial shadow در سال ۱۹۲۸ در امریکا انتشار یافت .



## نامه رکن السلطنه به رئیس الوزرای انگلیس

محمد رضا میرزا رکن السلطنه از فرزندان کوچک ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۹۳۷ دو نامه به H. Baldwin رئیس الوزرای انگلیس می نویسد و در آن اقدامات حکومت استبدادی رضا شاه و بی احترامی های او نسبت به اماکن مقدسه را یادآور می شود و انگلیسها را هشدار می دهد که با از میان رفتن او ایران دچار هرج و مرج می شود .  
این رکن السلطنه در اظهارش تحصیلات نظامی کرده بود (به قول علی وثوق) ، و در سالهای جنگ بین الملل اول نسبت به آلمانها خدماتی انجام داده بود و در سال ۱۹۲۰ با انگلیسها مکاتبه کرده بوده است . اگرچه انگلیسها نامه او را مهم ندانسته اند .



این اسناد را مرحوم اسمعیل رائین از انگلستان تهیه کرده و از راه لطف در اختیار ما گذارده . شماره این سند 371-20835 است .

۹۶/۱۵/۸۴

حضرت محترم جناب انرف رئیس الوزراء دولت خیمه بریطانیای کبیره معروض سیداراد

در چندی قبل مکتوبی به جناب انرف رئیس الوزراء سابقی دولت انگلیس نوشته و در  
آن متذکر از وضع داخلی ایران و عدم رضایت ایرانیها از بلا اقرایهها شده به  
اماکن مقدسه شده در قاریکه بر ضد اسلام از طرف این حکومت استبدادی میبودم  
امروز مجدداً حضور مبارک تجدید عرافتی نموده و بسکویم که البته نخبه سیرانیز که  
بیج حکومت استبدادی در دنیای امروزه دوامی نخواهد داشت مخصوصاً که آن  
حکومت حتی تشکیلات یک حزب منحصر بفرود موافق سبیل خود را هم مجاز نماند و تمام  
اساس بر روی یک نفر مرد بیار و یادی ساخته شده باشد که جز به قوه نظامی  
نوع دیگری نتواند به ملک و ملت آراس بخشد . اگر اقتلا سبیل سایر ممالک مستبده  
از موافقین خود هم شده بود جز با دمرانی درست کرده بود باز سایر ملکی بود که بعد از او  
دیگری از خترش که کم و بیش سبیل خود او میبود دنباله کاری او را گرفته و این اسلوب  
نگاه داری بسکرد و ا حالیه به محض اینکه پای این مرد از میان در برود چون تمام  
ملت ایران باطناً از ظلم دستم ارجحان رسیده اند ملکی نیست که کس دیگری را که سبیل  
این شخص بخواهد حکومت نماید قبول نموده اولادش را هم که محال میدانم که به سلطنت  
به پذیرند . پس نتیجه جز انقلاب و مرج و مرج هر دیکری نخواهد بود و از این  
در هم و بر همی بعضی از ممالک دیگر که امروزه به اسم همراهی با اسلام سخن میگویند  
لا خود را پیش بر نفایده برده و به سیاست انگلیس لطمه وارد خواهد آورد .  
با وجود تمام بد بختیها که چنانچه معترف است از سیاست انگلیس نخوازده ما

دارد آنکه تحت و تاج پدران ما را از ما سلب کردند حتی خانواده ما را بر سر پشته و  
 فقر و بلا آید و بابتلا کردند که همه ما در شرف تلف شدن از کمر سینه هستیم  
 با این جانب هیچ وقت راضی نشدم که برخلاف سیاست انگلیس رفتاری ننمایم .  
 اگر به وزارت خارج نماند اظهاراتیکه در موقع جنگ عمومی در موقعیکه از طرف  
 آلمان ما را به آلمان خواسته بودند برای بعضی مأموریت در ایران به کنترل انگلیس در  
 سورس نمودم دلیل خواهر بود که این جانب هیچ وقت نتوانستم خود را راضی ننمایم که  
 بر ضد سیاست انگلیس رفتاری نموده باشم . و الا مرد زبانی یک ملت در میان است  
 که این ملت مدت یک قرن و نیم تبعه ما بودند اولاد ما بودند پای اسلام در میان است  
 که مذهب پدران ما و ملت ما است . در صورتیکه شاید بعضی از دول دیگر به من بدین نهاد  
 کرده باشند که بانقشه آنها همراهی نموده و در ایران برای آنها کار نمایم باز هم راضی  
 نشده مجدد آبه خود دولت انگلیس اظهار مینمایم که با ما ملک نموده که به ملت ایران  
 خود را نشان داده بفهمانیم که برای حفظ مذهب اسلام و حکومت مشروطه نشان  
 در موقع مددکاران هستیم . این جانب به دولت انگلیس قول میدهمم که تمام نفع  
 دولت انگلیس را تا جان دارم در ایران حفظ نمایم . اگر خیالات دوستدار با سیاست  
 جناب اثرن موافق است این جانب حاضریم که به لندن آمده در این خصوص گفتگو نمایم  
 عدم جواب را بر نه پذیرفته شدن اظهارات خود خواهیم دانست . موقع راستنم  
 شماره اقامت فائده را مسدوفض سیدارد . محمد رضاییرزا ابن ناصر الدین شاه قاجار

دکن سلطنت

Roknes Saltanah Kadjar  
 Palais Mohir  
 28 Rue de Bellevue  
 Paris (France)

14/2/37  
 Son Excellence Monsieur Stanley Baldwin  
 Premier ministre Britannique. Londres.

E 1048

Excellence,

19 FEB 1937

Il me semble, qu'après deux siècles que notre famille a régné sur la Perse, nous avons le droit de faire une réflexion au Gouvernement de sa Majesté Britannique sur les événements actuels intérieurs de l'Iran.

Après le Coup d'État et changement de notre Dynastie, malgré les lois constitutionnelles de la Perse, nous n'avons rien fait, ni contre les intérêts britanniques en Iran, ni contre le régime actuel.

Cependant, hier je vois non seulement que le peuple persan se trouve dans la misère et dans un désespoir complet par l'amour de richesse et par la brutalité excessive de Reza Khan Pahlavi, mais aussi la liberté constitutionnelle au même temps que notre religion profanes par la même brutalité.

Ne croyez vous pas, Excellence, que

Tous ces événements peuvent contribuer à amener le peuple persan vers un régime bolchevique. Et mon point de vue, la gravité de la situation actuelle doit attirer l'attention du Gouvernement britannique, car après cette brutalité, il faut un homme capable et aimé par le peuple persan pour ramener la tranquillité et le bien être dans le pays ainsi que pour sauvegarder les intérêts britanniques en Perse.

Vous savez bien, Excellence, que les descendants de Mohammed Ali Schah, ont perdu leur prestige par la faiblesse et la légèreté de leurs conduites en Perse, mais nous, descendants de Massoud Schah, nous sommes intacts, surtout moi car depuis 27 années que j'ai vécu en Europe personne ne peut rien me reprocher. Je peux garantir votre intérêt et la tranquillité en Iran en redonnant au peuple la Confiance.

Si vous trouvez ma proposition raisonnable, j'ai pu organiser une vaste propagande en rassemblant tous les mécontents et ceux-ci sont très nombreux et avec l'aide du Gouvernement de la Majesté britannique nous pouvons sauver la Perse de



la misère et du désespoir.  
 Veuillez agréer, Excellence, mes  
 respects ainsi que mon sincère  
 dévouement pour le Gouvernement  
 de Sa Majesté.

Prince Roques Saltonch Radjar



پڑوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

Mine 45 Février 1937  
 136 Boulevard Gambetta 136.  
 Alger maritimes  
 France.

©

E

E. 1048  
200  
1937

1937

PERSIA

Registry Number } E 1048/1048/34

FROM Prince Roknes Saltoneh Kadja.

Dated 15th Feb:1937  
Received in Registry 19th Feb:1937

S: Persia

Proposition of Prince Roknes Saltoneh Kadjar.

In view of the sufferings of the Persian people under the Shah would propose, with British help to release Persia from its present position.

Last Pa

213521/11443/34  
920

(Minutes)

References.

(Print.)

(How disposed of.)

(Action completed)

12/3/37

(Index)

12/3/37

Next Paper.

I am sorry to have delayed this paper since it was returned to me with the relevant pp. on the 6th March.

Our information about the prince, who is one of the younger sons of Naasr-ed-Din Shah, is as follows:—

Before the war he had plans of stirring up a rising against the Persian Govt., but these never materialised. Later, after the outbreak of war, he set out on an expedition to Persia, financed by the Germans, in order to stir up trouble there, but this also came to nothing. (See 213775 (Persia) of 1917)

In 1917 he tried to offer his services

services to H.M.G., but he was deemed to be of no importance and his Russia offer was rejected (216836 [Russia] of 1917)

In 1919 and 1920 he tried on several occasions to get H.M.G. to intervene into the Russian affair in order to secure the payment of his pension; he also offered to provide a national rising in Russia in order to free that country from bolshevism (C11443/11443/34 of 1920)

I submit that the Prince should be informed in reply that his proposal cannot be entertained.

Draft submitted herewith.

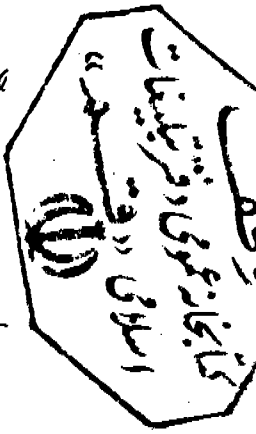
R. G. Stearns to Hunter 9/25/31

I should be inclined to leave the letter unanswered

R. V. Boucher  
10/3.

Without my question.

L. B. Suggall  
10/3/31



## اجازه نامه نشر آئینده و قوانین مطبوعاتی

مجله آئینده تاکنون چهار بار طبق قوانین موضوعه اجازه نشر یافته است و چون اجازه نامه نخستین آن از نظر نشان دادن نحوه صدور اجازه برای تجسس در تاریخ گذشته مطبوعات خالی از فایده نیست عکسش را درج می‌کنیم. این امتیازنامه که در اردیبهشت ۱۳۰۴ داده شده چهارصد و پنجاه و پنجمین جوازی بوده است که در آن زمان صادر شده بوده است.

اجازه بعدی در یازدهم تیرماه ۱۳۲۳ دوپست و پنجاه و ششمین امتیاز صادر شده طبق قانون مطبوعات مصوب ۳ دی ماه ۱۳۲۱ بوده است. اجازه بعدی در ۳۱ فروردین ۱۳۲۸ دوپست و هجدهمین امتیاز صادر شده طبق قانون مطبوعات مرداد ۱۳۳۴ بوده است. و بالاخره اجازه جدیدی که طبق مقررات جدید مصوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در دی ماه ۱۳۵۷ داده شده است.

### عکس مجلس اول

در مورد عکسی که از نمایندگان مجلس اول در شماره ۴-۶ به چاپ رسید دوست گرامی آقای علی وثوق عده‌ای را که می‌شناخت اینطور معرفی کرد.

- ردیف اول نشسته از راست به چپ: ۸) شهاب الدوله ملک آرا.
- ردیف دوم نشسته روی صندلی از راست به چپ: ۶) حاجی حسین امین‌الضرب، ۹) حسن وثوق الدوله، ۱۱) صنیع الدوله هدایت.
- ردیف ایستاده از راست به چپ: ۲) مخبرالملک هدایت، ۴) سید ولی‌الله خان نصر، ۵) صدیق حضرت مظاهر، ۸) نصرالملک هدایت.

\* \* \*

باز از خوانندگان خواهشمندست کسانی را که می‌شناسند برای تکمیل این معرفی نامه یادآوری فرمایند.

اولین انتشار محمد امیر هفت که در سال ۱۳۰۴ صادر شد  
و شماره اول سال اول در یاد نمره در شماره ۱۱۷ انتشار یافته است

تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۰۳  
۱۷ مه ۱۹۲۱



نمره ۳-۱  
نمره کتاب ثبت امتیاز جرایم

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
اداره انطباعات



لرستان

در خصوص امتیاز نشر موسسه به اینست

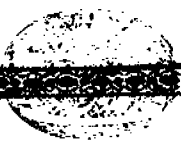
را از وزارت معارف تقاضا نموده لهذا کما...  
و بر طبق التزامیکه سپرده اند مجاز در طبع و نشر...  
مزبور میباشد

۱- در موقع طبع و نشر...  
دارنده امتیاز مکلف است کاملا مراعات  
مواد قانون مطبوعات را بنماید

۲- بدون تصویب وزارت معارف حق ترویض امتیاز خود را بدیگری نخواهد داشت

۳- از تاریخ صدور این امتیاز الی مدت شش ماه در صورتیکه صاحب امتیاز  
بواسطه موافق با انتشار روزنامه نشود باید بوزارت معارف رجوع  
نموده تجدید امتیاز نماید

وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه



انتشار کتب مشرفان و غیره